**نام مقاله: بررسي ميزان درستي استنادات مقالات تاليفي منتشر شده در فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني سال 1387**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 51 \_ شماره سوم- جلد 13**

**پديدآور: حسن بهزادي، مجيده سنجي**

**چكيده**

**هدف از پژوهش حاضر، بررسي ميزان درستي استنادهاي به كار رفته در فهرست منابع و مآخذ مقاله‌هاي تأليفي فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني آستان قدس رضوي است. جامعة مورد بررسي در اين پژوهش شامل 585 ارجاع داده شده به كتابها و مجله‌هاي فارسي و لاتين تمامي مقاله‌هاي تأليفي سال 1387 فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني آستان قدس رضوي است كه با استفاده از روش نمونه‌گيري تصادفي طبقه­اي و جدول مورگان و رجسي حجم نمونه به تعداد 230 استناد تعيين شد. يافته­هاي پژوهش نشان داد در 8/51% از استنادهاي مقاله‌هاي لاتين، 39% از استنادهاي مقاله‌هاي مجله‌هاي فارسي، 5/28% از استنادها به كتابهاي لاتين و 48% از استنادهاي كتابهاي فارسي، اشتباه وجود دارد. به طور ميانگين، در 8/41% از استنادهاي صورت گرفته توسط نويسندگان به منابع مختلف اشتباه وجود دارد كه از اين ميزان 4/21% اشتباهات اساسي هستند. همچنين، از نظر آماري، اختلاف معناداري بين ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها بر حسب نوع مدارك مورد استناد وجود ندارد. از سوي ديگر، در سطح اطمـــينان 95% مي­توان گفت نوع زبان مدارك مورد استناد بر ميزان اشتباه تأثيري ندارد. از نتايج پژوهش استنباط مي‌شود كه اشتراك مساعي بين نويسندگان، ويراستاران و داوران و همچنين ارزيابي و بررسي برخي از استنادهاي مقاله‌ها به عنوان بخشي از فرايند پذيرش مقاله‌ها مي‌تواند به رفع اين مشكل كمك زيادي كند.**

**كليدواژه­ها: درستي استنادها، اشتباه استنادي، استنادها، ارجاعها، فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني آستان قدس رضوي**

**مقدمه**

مقاله‌هاي منتشر شده در مجله‌هاي علمي، معمولاً دربردارندة فهرستي از استنادها هستند. اين فهرست كاركردهاي علمي زيادي را انجام مي­دهد. اعتبار و پشتيباني از اظهارات نويسنده، دسترسي به پيشينة مرتبط با موضوع مورد مطالعه و منبعي براي خواننده در كسب اطلاعات بيشتر در خصوص موضوع، بخشي از اين كاركردها هستند (Wyles, 2004).

استنادها، بخش جدايي‌ناپذير و مهمي از مقاله‌هاي منتشر شده در مجله‌هاي علمي مي­باشند. آنها ابزار مهمي در اعتباربخشي به متون بوده و به محققان در بازيابي استنادها و اطلاعات، كمك زيادي مي‌كنند. به منظور مفيد بودن، استنادها بايد به شيوه­اي درست و صحيح در نوشته­هاي علمي ارائه شوند. استنادها همانند سيمان هستند كه نه فقط آجرها را درون ديوار به يكديگر متصل مي‌كنند، بلكه به ديوار استــــحكام و ثبات مي­بخشند (Gupta, et al., 2005).

بنابراين، رشد، دوام و اعتبار دانشِ علمي، نيازمند ارائه صحيح مطالعات مرتبط است. متأسفانه برخي مشاهدات بيانگر اين مطلب است كه نويسندگان مقاله‌هاي منتشر شده در مجله‌هاي علمي در برخي موارد اين قاعده را رعايت نمي­كنند. اين مسئله اغلب به دو دليل اتفاق مي‌افتد: نخست اينكه محققان از مطالعات مرتبط چشم‌پوشي مي­كنند. دوم، آنها زماني كه پژوهشهاي مرتبط را بيان مي­كنند، دچار اشتباهاتي همچون ارجاع غلط يا نقل قول نادرست به منبع مورد استناد مي‌شوند (Wright and Armstrong, 2007). وجود چنين اشتباهاتي مي ­تواند بازيابي مقاله مورد نظر را مشكل و حتي گاهي غير ممكن سازد.

مشاهده شده است زماني كه پس از مطالعه مقاله­اي قصد داريد براي به دست آوردن اطلاعات بيشتر به برخي از استنادهاي به كار رفته در مقاله مراجعه كنيد، با مشكلاتي مواجه مي‌شويد و يا حتي در برخي مواقع امكان دسترسي به آن مقاله به دليل اشتباه بودن استناد مربوط از شما گرفته مي­شود. اين امر حتي در مجله‌هاي مربوط به كتابداري نيز مشاهده مي‌شود. انتظار مي‌رود افرادي كه خود در عرصه اطلاعات و اطلاع­رساني به نوعي فعاليت دارند، تلاش كنند تا اطلاعات ارائه شده توسط آنان داراي كمترين نقص باشد تا بتوانند به بخشي از رسالت حرفه‌اي خود جامة عمل بپوشند. با توجه به مطالب ذكر شده و براي بررسي اين مطلب در يك مجله مربوط به كتابداران، در پژوهش حاضر سعي شده است تا اين مطلب بررسي شود كه ميزان رعايت اصول درست‌نويسي استنادهاي مقاله‌هاي تأليفي فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني در سال 1387 به چه صورت است؟

**هدفهاي پژوهش**

هدف از پژوهش حاضر، بررسي ميزان درستي ‌استنادهاي به كار رفته در فهرست منابع و مآخذ مقاله‌هاي تأليفي يك مجله علمي ـ پژوهشي ـ كه در اين پژوهش فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني است ـ خواهد بود. نتايج پژوهش نشان خواهد داد نويسندگان مقاله‌ها تا چه اندازه در بحث ارجاعات و استناددهي دقت نظر دارند، زيرا بي‌توجهي در اين زمينه، امر بازيابي اطلاعات مرتبط با يك پژوهش از طريق نظام استناددهي را با مشكل مواجه خواهد ساخت. همچنين، نتايج نشان خواهد داد بيشترين ميزان اشتباهات صورت گرفته توسط نويسندگان مقاله‌ها در چه مواردي بوده و لازم است به چه جنبه­هايي از كار خود توجه و دقت بيشتري مبذول دارند.

توجه به نگارش درست و صحيح استنادها سبب افزايش كيفيت مجله‌ها خواهد شد، زيرا يكي از ملاكهاي سنجش اعتبار يك مجله، ميزان درستي استنادها و نقل قولهاي ارائه شده در مقاله‌هاي آن است.

**سؤالهاي پژوهش**

اين پژوهش در صدد پاسخگويي به سؤالهاي زير است:

1-    ميزان اشتباهات صورت گرفته توسط نويسندگان مقاله‌هاي تأليفي فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني در هر يك از انواع استنادهاي زير به چه صورت است؟

- استنادهاي مربوط به مقاله‌هاي لاتين

- استنادهاي مربوط به مقاله‌هاي فارسي

- استنادهاي مربوط به كتابهاي لاتين

- استنادهاي مربوط به كتابهاي فارسي.

2-    آيا نوع مدارك مورد استناد ( مقاله و كتاب) بر ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها مؤثر است؟

3-    آيا زبان مدارك مورد استناد ( فارسي و لاتين) بر ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها مؤثر است؟

**پيشينه پژوهش**

بررسي درستي استنادهاي به كار رفته در نوشته­هاي علمي در خارج از كشور سابقة طولاني دارد. اين امر بيشتر در حوزة پزشكي بررسي شده است، به گونه­اي كه «ايكورن و يانكور»[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") (1987) دريافتند 31% استنادهاي به كار رفته در مجله‌هاي بهداشت عمومي داراي اشتباهاتي هستند و اشتباهات 3% آنها به حدي زياد بود كه مقاله قابل بازيابي نبود. نتايج پژوهش «دامز» (1989)[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ") نشان داد 42% استنادهاي به كار رفته در مجله‌هاي دندان‌پزشكي اشتباه هستند كه از اين ميزان 30% اشتباهات اساسي هستند؛ همچون اشتباه در اسامي مجله‌ها، عنوان مقاله‌ها و نام نويسندگان.

«اوانز و ديگران»[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ") (1990) به صورت تصادفي 150 استناد به كار رفته در 3 مجله پزشكي را بررسي كردند و دريافتند كه 48% استنادها داراي اشتباه هستند. ساير مطالعات نيز بيانگر وجود اشتباه در ارجاعها و استنادها بود به گونه­اي كه بين 56 تا 67% استنادهاي مجله‌هاي بيماريهاي زنان و زايمان ( Roach et al., 1997) و از 180 ارجاع مورد بررسي در مجله‌هاي پرستاري، 32% داراي اشتباه بود كه از اين تعداد 43 ارجاع اشتباه اساسي بود (Schulmeister, 1998).

«فنتون و ديگران»[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ") (2000) با انتخاب تصادفي 50 ارجاع از هر مجله و بررسي آنها دريافتند كه 5/37% استنادهاي مجله‌هاي جراحي سر و گردن اشتباه بود كه از اين ميزان 12% اشتباهات اساسي بود. همچنين «اوريجل و ديگران»[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") (2001) در بررسي 3 مجله مربوط به طب اطفال نتيجه گرفتند كه به طور ميانگين 29% از استنادهاي به كار رفته در اين سه مجله داراي اشتباه هستند.

در پژوهشي ديگر «گاسلينگ و ديگران»[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ") (2004) نيز دريافتند كه 36% استنادهاي مجله‌هاي فيزيوتراپي داراي اشتباه است. در پژوهشهاي ديگري كه توسط محققان صورت گرفت، به وجود اشتباه در استنادهاي مجله‌ها اشاره شده است؛ از جمله آنكه 27% در مجله‌هاي آناتومي ( Lukic, et al., 2004)، 39% در مجله معتبر پزشكي هندوستان و 34% در مجله‌هاي شيمي درماني (Aronsky, et al, 2005) در استنادهاي خود اشتباه داشتند.

«بوچن، نوريس و كوپر»[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ") (2005) نيز در بررسي فراواني اشتباهات در استنادها و نقل قولهاي مجله‌هاي چشم پزشكي به اين نتيجه رسيدند كه در 32 ارجاع مورد بررسي 35 اشتباه وجود دارد. همچنين 30 نقل قول ارائه شده نيز درست نيست و تنها 20 نقل قول كاملاً درست است. در بررسي مجله‌هاي توانبخشي نيز «آنور و ديگران»[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") (2009) دريافتند كه مجموع اشتباهات به كار رفته در ميان مجله‌هاي منتشر شده، 123 ارجاع (معادل 7/30%) است كه بيشترين اشتباهات (48%) به اشتباه در ذكر نام نويسنده/ نويسندگان مقاله مربوط است.

در رشته­هاي غير پزشكي نيز مطالعات اندكي پيرامون بررسي درستي استنادهاي به كار رفته در مجله‌هاي علمي، صورت گرفته است. از آن جمله مي‌توان به اين پژوهشها اشاره نمود: «فانس و جاب»[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn9" \o ") (2001) در بررسي 5 مجله روانشناسي دريافتند كه در 12% از استنادها، نام نويسندگان به اشتباه مورد استناد قرار گرفته است. «اسپيوي و ويلكز»[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn10" \o ") (2004) در بررسي استنادهاي 5 مجله امور اجتماعي دريافتند كه از بين 500 استناد مورد بررسي، 206 مورد (2/41%) داراي اشتباه هستند. «هاگلين»[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn11" \o ") (2005) در بررسي ارجاعات 4 مجله علوم حيواني دريافت كه بيشتر اشتباهات صورت گرفته در استنادهاي مربوط به نام نويسنده و پس از آن، عنوان مقاله است.

بررسي مرور نوشتار صورت گرفته در زمينه استنادها و ارجاعها در بين منابع فارسي نشان داد هرچند در زمينة ضريبهاي تأثير استنادهاي مقاله‌ها مطالب زيادي نوشته شده است اما توسط محقق، مطلبي در مورد بررسي ميزان صحت و درستي در رشته­اي خاص يافت نشد و جاي خالي اين پژوهش، در زبان فارسي خالي است.

**روش اجراي پژوهش**

در راستاي اجراي اين پژوهش تمامي منابع و مآخذ به كار رفته در جامعه آماري، به ترتيب شماره نشريه از طريق وب سايت مجله كتابداري و اطلاع­رساني در محيط «نرم­افزار ورد»[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn12" \o ") كپي شد. سپس تمام ارجاعهايي كه مربوط به مصاحبه­ها، تقريرهاي درسي، پايان نامه­ها، آيين­نامه­ها و نشاني­هاي اينترنتي مربوط بود، حذف گرديد و تنها ارجاعهاي مربوط به كتابها و مجله‌هاي فارسي و لاتين، براي پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. پس از تعيين حجم نمونه، به منظور جلوگيري از خطاها و اشتباهات احتمالي، تمامي ارجاعهاي حجم نمونه با نسخه چاپي نشريه مقايسه گرديد تا اشتباهات احتمالي، تصحيح گردد.

با توجه به متفاوت بودن اطلاعات كتابشناختي استناد به كتاب و مقاله، موارد بررسي شده براي اين دو نوع از منابع اطلاعاتي نيز متفاوت بود. آنچه براي تعيين درستي استنادهاي مقاله‌هاي مورد بررسي قرار گرفت، عبارت بود از: 1- نام نويسنده/ نويسندگان از نظر نگارش املايي، ترتيب ذكر اسامي 2- عنوان مقاله از نظر نگارش املايي و كامل بودن 3- عنوان مجله از نظر نگارش املايي و كامل بودن    4- درستي سال نشر 5- شماره جلد (در صورت داشتن) 6- شماره مجلد 7- شماره صفحات اول و آخر مقاله. در مورد كتابها نيز اين مؤلفه­ها بررسي شد: 1- نام نويسنده/ نويسندگان از نظر نگارش املايي، تعداد نويسنده و ترتيب ذكر اسامي      2- عنوان كتاب از نظر نگارش املايي و كامل بودن 3- محل انتشار از نظر درست بودن، كامل بودن و نگارش املايي 4- ناشر از نظر نگارش املايي، درستي و كامل بودن و 5- درستي سال نشر. از آنجا كه در فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني شماره صفحات كتاب مورد استناد ذكر نمي­گردد، اين مسئله ناديده گرفته شد. همچنين، مترجمان، ويراستاران و ... نيز در عامل نام نويسنده/ نويسندگان مورد بررسي قرار گرفت.

براي بررسي درستي استنادها، سعي شد تا از موثّق‌ترين ابزارهاي در دسترس براي هر يك از انواع منابع استفاده شود. به همين منظور، سايت كتابخانه ملي ايران براي كتابهاي فارسي، سايت بانك اطلاعات علمي نشريه‌هاي ايران[[13]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn13" \o ") و وب‌سايت مربوط به مجله‌ها براي مقاله‌هاي فارسي، سايت كتابخانه كنگره و كتابخانه برتانيا براي كتابهاي لاتين و پايگاه اطلاعاتي امرالد، الزوير و سايت مجلات براي مقاله‌هاي لاتين در نظر گرفته شد. در مواردي كه مشخصات برخي از استنادهاي مورد بررسي در هيچ يك از منابع يافت نمي­شد، اصل منبع مورد بررسي قرار مي­گرفت. همچنين، به منظور تحليل ساده­تر و دقيق­تر اطلاعات، ابتدا داده­هاي استخراج شده از نمونه‌هاي مورد بررسي در نرم افزار اكسل وارد شد و سپس تحليل آماري و استنباطي نتايج با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

**جامعة آماري**

جامعه آماري اين پژوهش شامل 585 استناد مربوط به كتابها و مجله‌هاي فارسي و لاتين مقاله‌هاي تأليفي سال 1387 فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني آستان قدس رضوي است. با توجه به زياد بودن حجم جامعه آماري، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و كرجسي[[14]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn14" \o ") ،230 استناد تعيين گرديد. هر چند تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان به صورت محافظه­كارانه تعيين شده است و در صورتي كه تعداد نمونه بر اساس فرمولهاي آماري محاسبه شود، معمولاً عدد كوچكتـري خواهـد شـد (مؤمني، فعال قيومي، 1386)؛ ليكن به منظور افزايش ضريب دقت پژوهش، اين حجم نمونه انتخاب گرديد. پس از مشخص شدن حجم نمونه، به منظور انتخاب نمونه مورد بررسي از جامعه آماري، روش نمونه‌گيري تصادفي طبقه‌اي[[15]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn15" \o ") استفاده گرديد. در اين راستا، تمامي استنادهايي كه در تعريف جامعه آماري اين پژوهش قرار مي­گرفت، بر حسب نوع (كتاب فارسي، كتاب لاتين، مجله فارسي و مجله لاتين) مرتب شد. از آنجا كه تعداد استنادها به هريك از انواع ذكر شده متفاوت است، به منظور تعيين سهم هر طبقه از فرمول زير استفاده شد:

|  |  |
| --- | --- |
| سهم هر نوع از استنادها = حجم نمونه تعيين شده × | حجم جامعه آن طبقه |
| حجم كل جامعه |

با توجه به فرمول ذكر شده در بالا، حجم نمونه مطابق با جدول شماره 1 تعيين گرديد:

**جدول 1. حجم نمونه تعيين شده براي هر نوع از استنادهاي به كار رفته در جامعه مورد پژوهش**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | **نوع استنادهاي به كار رفته در جامعه مورد پژوهش** | **جمع كل** |
| **كتاب فارسي** | **مقاله فارسي** | **كتاب لاتين** | **مقاله لاتين** |
| حجم جامعه | 123 | 103 | 52 | 307 | 585 |
| حجم نمونه | 48 | 41 | 21 | 120 | **230** |

تعيين فاصله ثابت بين دو نمونه نيز از طريق فرمول زير به دست آمد:

K=N/n (عدد ثابت فاصله بين دو نمونه = K، حجم نمونه = n و حجم جامعه آماري = N). 5/2~230÷585 .

به اين صورت، فاصله بين انتخاب دو نمونه، 5/2 به دست آمد.

**يافته­هاي پژوهش**

با استفاده از داده­هاي گردآوري شده به سؤالهاي پژوهش پاسخ داده شد كه توضيح آن به شرح زير است:

**1- ميزان اشتباهات صورت گرفته توسط نويسندگان مقاله‌هاي مجله كتابداري و اطلاع‌رساني در هر يك از استنادهاي زير به چه صورت مي‌باشد؟**

- استنادهاي مربوط به مقاله‌هاي لاتين

- استنادهاي مربوط به مقاله‌هاي فارسي

- استنادهاي مربوط به كتابهاي لاتين و

- استنادهاي مربوط به كتابهاي فارسي.

براي پاسخ دادن به اين سؤال پژوهش، ميزان اشتباهات صورت گرفته در هر نوع از مدارك( مقاله لاتين، مقاله فارسي، كتاب لاتين و كتاب فارسي) به صورت مجزا مورد شمارش قرار گرفت كه يافته­هاي مربوط در جدولهاي 2 تا 5 ذكر گرديده است.

**جدول 2. فراواني اشتباهات صورت گرفته در قسمتهاي مختلف استنادها به مقاله‌هاي لاتين 120 n=**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نويسنده** | **عنوان مقاله** | **عنوان مجله** | **سال نشر** | **شماره جلد** | **شماره مجلد** | **شماره صفحه** | **كل مقاله‌هاي داراي اشتباه** |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| 10 | 3/8 | 10 | 3/8 | 9 | 5/7 | 5 | 2/4 | 4 | 3/3 | 34 | 3/28 | 10 | 3/8 | 61 | 8/51 |

چنانكه مشاهده مي‌شود، 8/51% از اســـــتنادهاي مقاله‌هاي لاتين داراي اشتـــــباه (يك يا چند مورد) مي‌باشند. بيشترين ميزان اشتباهات صورت گرفته توسط نويسندگان مربوط به شمــاره مجلد مجله‌ها (3/28%) مي‌­باشد و كمترين ميزان نيز مربوط به شماره جلد (3/3%) است. از اين ميزان اشتباه صورت گرفته، 1/24%، اشتباهات اساسي (اشتباه در نويسنده، عنوان مقاله و عنوان مجله) هستند و بقيه اشتــــباهات غير اساسي مي­باشند.

**جدول3. فراواني اشتباهات صورت گرفته در قسمتهاي مختلف استنادها به مقاله‌هاي فارسي 41 n=**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نويسنده** | **عنوان مقاله** | **عنوان مجله** | **سال نشر** | **شماره جلد** | **شماره مجلد** | **شماره صفحه** | **كل مقاله‌هاي داراي اشتباه** |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| 0 | 0 | 2 | 8/4 | 1 | 4/2 | 2 | 8/4 | 4 | 7/9 | 6 | 6/14 | 5 | 2/12 | 16 | 39 |

يافته­هاي مندرج در جدول شماره 3 نيز نشان مي­دهد در 39% استنادهاي مقاله‌هاي مجله‌هاي فارسي، اشتباه وجود دارد. بيشترين ميزان اشتباه صورت گرفته توسط نويسندگان مقاله‌ها در شماره مجلد است؛ اما در استناد به نويسنده مقاله‌ها هيچ اشتباهي صورت نگرفته است. ميزان اشتباهات اساسي نيز 2/7% مي­باشد.

**جدول4. فراواني اشتباهات صورت گرفته در قسمتهاي مختلف استنادها به كتابهاي لاتين21 n=**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نويسنده** | **عنوان كتاب** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال انتشار** | **كل كتابهاي داراي اشتباه** |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| 1 | 7/4 | 3 | 2/14 | 3 | 2/14 | 2 | 5/9 | 0 | 0 | 6 | 5/28 |

همان‌گونه كه از محتواي جدول بالا برمي­آيد، در 5/28% از استنادها به كتابهاي لاتين اشتباه وجود دارد. اين در حالي است كه بيشترين ميزان از اين اشتباهات، به اشتباه نويسندگان در استناد به عنوان و محل نشر(2/14) مربوط است و در استناد به سال نشر كتاب، اشتباهي صورت نگرفته است. اشتباهات اساسي استنادها 19% بوده است.

**جدول5. فراواني اشتباهات صورت گرفته در قسمتهاي مختلف استنادها به كتابهاي فارسي 48 n=**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نويسنده** | **عنوان كتاب** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال انتشار** | **كل كتابهاي داراي اشتباه** |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| 8 | 6/16 | 9 | 75/18 | 3 | 25/6 | 5 | 4/10 | 8 | 6/16 | 23 | 48 |

يافته­هاي مندرج در جدول شماره 5 نشان مي­دهد بيشترين ميزان اشتباهات صورت گرفته در استناد به كتابها در عنوان (75/18%) و كمترين ميزان آن نيز در استناد به محل نشر كتاب بوده است. به طور كلي، در 48% استنادهاي كتابهاي فارسي اشتباه وجود داشته است كه از اين ميزان 4/35% اشتباهات اساسي بوده است.

با نگاهي به يافته­هاي جدولهاي 2 تا 5 مي­توان دريافت كه به طور ميانگين در 8/41% استنادهاي صورت گرفته توسط نويسندگان به منابع مختلف اشتباه وجود دارد كه از اين ميزان 4/21% اشتباهات اساسي هستند كه امر بازيابي و دسترسي به منبع اصلي مورد استناد را با مشكل مواجه مي­‌كنند.

**2.** **آيا نوع مدارك مورد استناد ( مقاله و كتاب) بر ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها مؤثر است؟**

به منظور پاسخگويي به اين سؤال پژوهش، ميزان اشتباهات صورت گرفته در مقاله‌هاي فارسي و لاتين با يكديگر (102=82+20) و كتابهاي لاتين و فارسي     (42= 9+ 33) نيز با يكديگر، جمع گرديد. به منظور تبديل داده­هاي غير پارامتريك به پارامتريك، به هر استناد اشتباه نمره 1 داده شد؛ بدين ترتيب براي مجموع مقاله‌ها نمره 102 و براي مجموع كتابها نمره 42 در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با نمره‌هاي اختصاص داده شده به هر نوع از مدارك و همچنين ميزان حجم نمونه هر يك از انواع مدارك (مقاله‌ها= 161 و كتابها= 69) ميانگين هر يك محاسبه گرديد. ميانگين به دست آمده براي مقاله‌ها معادل 6087/ ( 161÷ 102) و براي كتابها معادل 6398/ (69÷ 42) به دست آمد. با نگاهي به ميانگين‌هاي به دست آمده مشخص مي­شود هرچند نويسندگان در استناد به كتابها اشتباه بيشتري دارند، اما اختلاف بين ميزان اشتباهات كتابها و مقاله‌ها، زياد نيست. در ادامه، به منظور بررسي معنادار بودن اين تفاوت در ميانگين‌هاي به دست آمده، با استفاده از آزمون t نمونه‌هاي مستقل[[16]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn16" \o ") به مقايسه آنها پرداخته شد كه نتايج حاصل در جدول شماره 6 ارائه شده است.

**جدول6. آزمون معنادار بودن تفاوت در ميانگين اشتباهات صورت گرفته**

**در ارجاعها بر حسب نوع مدارك 230= n**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|   | **آزمون برابري واريانسها** | **درجه آزادي** | **t** | **P-value** | **اختلاف ميانگين** | **فاصله اطمينان 95% براي وجود اختلاف** |
| **F** | **P-value** | **حد بالا** | **حد پايين** |
| **نوع مدارك مورد استناد** | قبول فرض برابري واريانسها | 713 | 399/ | 228 | 445/- | 656/ | 03106/- | 10634/ | 16845/- |
| رد فرض برابريواريانسها |   |   | 346/126 | 442/- | 659/ | 03106/- | 10808/ | 17019/- |

يافته­ها نشان مي­دهد P-value حاصل از قبول برابري واريانسها برابر است با 399/ كه از سطح آلفاي مورد بررسي ما ( 05/ ) بزرگتر مي­باشد. بنابراين، از نظر آماري، بين ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها بر حسب نوع مدارك مورد استناد اختلاف معناداري وجود ندارد. به عبارتي، نوع مدرك در ميزان استنادِ اشتباه به آن تأثيري ندارد.

**3. آيا زبان مدارك مورد استناد ( فارسي و لاتين) بر ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها مؤثر است؟**

به منظور پاسخگويي به اين سؤال پژوهش نيز ميزان اشتباهات صورت گرفته در كتابها و مقاله‌هاي لاتين با يكديگر (91=82+9) و كتابها و مقاله‌هاي فارسي   (53= 20+ 33) نيز با يكديگر، جمع گرديد. در اين بخش نيز، به منظور تبديل داده‌هاي غير پارامتريك به پارامتريك، به هر استناد اشتباه نمره 1 داده شد؛ بدين معنا كه نمره 91 براي مجموع منابع لاتين و نمره 53 براي مجموع منابع فارسي در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS و با نمره‌هاي اختصاص داده شده به هر نوع از مدارك و همچنين ميزان حجم نمونه هر يك از انواع مدارك (منابع فارسي= 89 و منابع لاتين= 141) ميانگين هر يك محاسبه گرديد. بدين ترتيب، براي منابع فارسي ميانگين 595/ ( 89÷ 53) و براي منابع لاتين ميانگين 645/ (141÷ 91) به دست آمد. مقايسة ميانگين‌هاي به دست آمده مشخص مي­سازد نويسندگان مقاله‌ها در استناد به منابع لاتين اشتباه بيشتري دارند، اما به منظور بررسي معنادار بودن تفاوت در ميانگين‌هاي به دست آمده با استفاده از آزمـــون t نمونه­هاي مستقل به مقايسه آنها پرداخته شد كه نتايج حاصل در جدول شماره 7 ارائه شده است.

**جدول 7. آزمون معنادار بودن تفاوت**

**در ميانگين اشتباهات صورت گرفته در ارجاعها بر حسب زبان مدارك 230= n**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|   | **آزمون برابري واريانسها** | **درجه آزادي** | **t** | **P-value** | **اختلاف ميانگين** | **فاصله اطمينان 95% براي وجود اختلاف** |
| **F** | **P-value** | **حد بالا** | **حد پايين** |
| **نوع مدارك مورد استناد** | قبول فرض برابري واريانسها | 933/2 | 088/ | 228 | 929/- | 354/ | 06112/ | 06857/ | 19081/- |
| رد فرض برابريواريانسها |   |   | 799/182 | 922/- | 358/ | 06629/ | 06968/ | 19192/- |

يافته­هاي جدول بالا نشان مي­دهد P-Value به دست آمده (088/) از 05/ بزرگتر است. بنابراين، در سطح اطمينان 95% مي­توان گفت كه نوع زبان مدارك مورد استناد، بر ميزان اشتباه تأثيري ندارد.

**نتايج پژوهش**

پژوهش علمي، اقدامي مشاركتي و جمعي است كه به منظور اطمينان از گسترش پايبندي و وفاداري علمي، بر درستي اطلاعات مستند شده تكيه دارد. پژوهشي كه به درستي منتشر شده باشد، راهي را به سمت فرايند ارتباط علمي فراهم مي­سازد؛ برعكس، پژوهشي كه اطلاعات اشتباه را اشاعه دهد نه تنها مانع ترويج علم مي­گردد، بلكه سالها زمان مي­برد تا اين اطلاعات اشتباه از بين برود(Faunce and Job,2001).

در پژوهش حاضر سعي گرديد تا ميزان درستي استنادهاي به كار رفته در فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني بررسي گردد. نتايج به دست آمده نشان داد 8/51% از اســـــتنادهاي مقاله‌هاي لاتين داراي اشتـــــباه مي­باشند. از اين ميزان 1/24%، اشتباهات اساسي (اشتباه در نويسنده، عنوان مقاله و عنوان مجله) بودند (جدول شماره 2). همچنين نشان داده شد كه در 39% از استنادهاي مقاله‌هاي مجله‌هاي فارسي اشتباه وجود دارد. بيشترين ميزان اشتباه صورت گرفته توسط نويسندگان مقاله‌ها در شماره مجلد است (جدول شماره 3). ميزان اشتباهات در استناد به كتابها نيز بررسي شد و نتايج نشان داد كه در 5/28% از استنادها به كتابهاي لاتين و در 48% از استنادهاي كتابهاي فارسي اشتباه وجود داشته است (جدول 4 و 5). با نگاهي به تمامي نتايج مي­توان دريافت كه به طور ميانگين در 8/41% از استنادهاي صورت گرفته توسط نويسندگان به منابع مختلف اشتباه وجود دارد كه از اين ميزان 4/21% اشتباهات اساسي هستند. در تمامي پژوهشهاي ذكر شده در پيشينة پژوهش، به وجود اشتباه در استنادها اشاره شده است. به طور كلي، دلايل اين امر را مي­توان در دو دسته كلي تقسيم بندي نمود: 1- عوامل مرتبط با نويسنده و 2- عوامل مرتبط با مجله. برخي از دلايل مرتبط با نويسنده را مي­توان كم توجهي نويسنده به جزئيات استنادها، تعجيل در فرايند نگارش مقاله، اخذ استناد از مراجع غير معتبر، اشتباهات نگارشي و ... دانست. عوامل مرتبط با مجله را نيز مي­توان نداشتن خط مشي مدوّن در اين زمينه برشمرد.

     مسئله ديگري كه در اين پژوهش بررسي گرديد، تأثير نوع مدارك مورد استناد (مقاله و كتاب) بر ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها بود. نتايج پژوهش نشان داد بين ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادها بر حسب نوع مدارك مورد استناد اختلاف معناداري وجود ندارد. به عبارتي، نوع مدرك در ميزان استنادِ اشتباه به آن تأثيري ندارد (جدول شماره 6). همچنين، مقايسة ميانگين‌هاي به دست آمده نشان داد نويسندگان مقاله‌ها در استناد به منابع لاتين اشتباه بيشتري دارند كه شايد بتوان تسلط نداشتن بر زبان انگليسي و مشكلات تايپ و نگارش آن را برخي از دلايل آن دانست. اما آزمون ميانگين استناد به منابع فارسي و لاتين نشان داد كه در سطح اطمينان 95% مي­‌توان گفت نوع زبان مدارك مورد استناد، بر ميزان اشتباه تأثيري ندارد (جدول شماره 7).

در هر صورت، ميزان وجود اشتباه در استنادهاي مجله‌هاي علمي مشكلي است كه بايد براي آن راه­‌هاي مناسبي ارائه شود تا شاهد كاهش ميزان اشتباهات باشيم. محققان چندي در پژوهشهاي خود پيشنهادهايي را براي بهبود درستي استنادها ارائه نموده­اند. به منظور حل و يا كاهش مشكل اشتباهات استنادي، راه‌حلهاي زير مي­تواند مفيد باشد:

- همكاري مشترك بين نويسندگان، ويراستاران و داوران

- ارزيابي و بررسي بخشي از استنادهاي مقاله‌ها به عنوان بخشي از فرايند پذيرش مقاله‌ها

- محدود نمودن شمار ارجاعها در مقاله‌هاي پذيرفته شده

- قرار دادن صفحه اول هر مقاله مورد ارجاع در بسته ارسالي نويسندگان براي پذيرش مقاله‌ها

- استفاده از نرم افزارهاي ارجاع مانند نرم افزار Endnotes.

«فورمن و كريچهوف»[[17]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn17" \o ") (1987)، نيز پيشنهاد مي­كنند نويسندگان اطلاعات مراجع را با منبع اصلي مطابقت دهند و نسخه­هاي ابتدايي نوشتار خود را كنترل كنند تا مطمئن شوند هيچ اشتباهي در استنادهاي مقاله آنها وجود ندارد. «گلدبرگ و ديگران»[[18]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn18" \o ") (1993) نيز راه حل مشابهي ارائه نموده­اند و آن اين است كه ويراستاران مجله‌ها مطمئن شوند ارجاعها منطبق با منبع اصلي باشد و نويسندگان مقاله‌ها را موظف و مكلف به امضاي مدركي دالّ بر تأييد اين مطلب نمايند.

بنابراين، استفاده از يك يا چند تركيب مختلف از راه‌حلهاي فوق مي­تواند ميزان اشتباهات صورت گرفته در استنادهاي يك مجله را به نحو محسوسي كاهش دهد. به عنوان مثال، مجلة Canadian Journal of Anesthesiaپس از بررسي استنادهاي خود و درك اين مطلب كه بيش از نيمي از استنادهاي آن داراي اشتباه است، با تغيير خط مشي خود و اعلام اينكه مقاله‌هاي پذيرفته شده بايد صفحة نخست منبع مورد استناد خود را به مقالة تأليفي ضميمه نمايند، توانست ميزان اشتباهات خود را از 69% به 13% كاهش دهد Bevan & Purkis, 1995)).

**منابع**

- مؤمني، منصور و علي فعال قيومي (1386). تحليل‌هاي آماري با اســتفاده از SPSS. تهـران: كتاب­نو.

- Aronsky, D., J. Ransom, K. Robinson. (2005). Accuracy of references in five biomedical informatics journals. J. Amer. Medical Informatics Association, **12**(2), 225 –228.

- Bevan, D. R., & Purkis, J. M. (1995). Citation errors can be reduced Editorial. Canadian Journal of Anaesthesia, 42(11), 367-369.

- Buchan John C; Norris John; Kuper Hannah (2005). Accuracy of referencing in the ophthalmic literature. American journal of ophthalmology, 140(6):1146-1148

- Doms, C. A. (1989). A survey of reference accuracy in five national dental journals. J. Dental Res. **68**(3), 442–444.

- Eichorn P., A. Yankauer. (1987). Do authors check their references? A survey of accuracy of references in three public health journals. Amer. J. Public Health. **77**(8), 1011–1012.

- Evans J. T., H. I. Nadjari, S. A. Burchell. (1990). Quotational and reference accuracy in surgical journals: A continuing peer review problem. J. Amer. Medical Association, **263**(10), 1353–54.

- Faunce, Gavin and Soames Job R.F. (2001), "The accuracy of reference lists in five experimental psychology journals", American Psychologist, 56(10), 829-830.

- Fenton, J. E., H. Brazier, A. De Souza, J. P. Hughes, D. P. McShane. (2000). The accuracy of citation and quotation in otolaryngology/head and neck surgery journals. Clinical Otolaryngology, **25(1),** 40-44.

- Foreman, M. D.,& Kirchhoff, K. T. (1987). Accuracy of references in nursing journals. Research in Nursing and Health, 10(3), 177-183.

- Gosling, C. M., M. Cameron, P. F. Gibbons. (2004). Referencing and quotation accuracy in four manual therapy journals. Manual Therapy, **9(1),** 36 –40.

- Gupta P, Yadav M, Mohta A, Choudhury P. References in Indian Pediatrics: Authors need to be accurate. Indian Pediatrics, 42(2), 140-145.

- Hagelin, Joakim(2001). Accuracy of references in four laboratory animal science journals. Retrieved August 8, 2009, from [http://www.uaf.edu/iacuc/documents/Articles/Hagelin%20Ref %20Accuracy%20Article.pdf](http://www.uaf.edu/iacuc/documents/Articles/Hagelin%20Ref%20%20Accuracy%20Article.pdf)

- J. Buchan, J. Norris, H. Kuper(2005 ). Accuracy of Referencing in the Ophthalmic Literature.American Journal of Ophthalmology, Volume 140(6), 1146-1148.

- Lukic, I. K., A. Lukic, V. Gluncic, V. Katavic, V. Vucenik, A. Marusic. (2004). Citation and quotation accuracy in three anatomy journals. Clinical Anatomy, **17(7),** 534–539.

- Onwuegbuzie, A. J., Waytowich, V. L., & Jiao, Q. G. (2005b). Citation errors in articles submitted to scholarly journals: The case for Educational and Psychological Measurement. Retrieved September 8, 2009, from [http://asstudents.unco.edu/ students/AE-Extra/2006/12/Jiao.html](http://asstudents.unco.edu/%20students/AE-Extra/2006/12/Jiao.html)

- Origel, **Vargas and**G Gómez-Martínez, M A Vargas-Nieto(2001). The accuracy of references in paediatric journals. Archives of Disease in Childhood, **85(6)**,497-498.

- Pandit, I(1993). Citation errors in library literature: a study of five library science journals. Library & information science research, 15(2), pp. 185-198.

- Roach, V. J., T. K. Lau, D. Warwick, N. Kee.(1997). The quality of citations in major international obstetrics and gynecology journals. Amer. J. Obstetrics and Gynecology, **177**(4), 973 –975.

- Schulmeister, L. (1998). Quotation and reference accuracy of three nursing journals. Image: J. Nursing Scholarship, **30**(2), 143 –147.

- Spivey, Christina A. and Scott E. Wilks(2004). Reference List Accuracy in Social Work Journals. Research on Social Work Practice, 14( 4), pp 281-286.

- Unver, Bayram .et al( 2009). Reference accuracy in four rehabilitation journals. Clinical Rehabilitation, 23(8), 741 **.**

- Wright, Malcolm and Scott J Armstrong (2007). Verification of Citations: Fawlty Towers of Knowledge?. Retrieved August 10, 2009, from: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/4149/>

- Wyles, D. F. (2004). Citation errors in two journals of psychiatry: A Retrospective Analysis. Behavioral & Social Sciences Librarian, 22(2), 27-51.

1. Eichorn and Yankauer.

2. Doms.

1. Evans et al.

2. Fenton et al.

3. Origel et al.

4. Gosling et al.

5. Buchan, Norris and Kuper.

1. Unver, et al.

2. Faunce and Job.

3. Spivey and Wilks.

4. Hagelin.

1. Microsoft Office Word.

1. www.Magiran.com.

2. Morgan & Kerjcie.

1. Stratified Random Sample.

1. Independents- Samples T Test.

1. Foreman& Kirchhof.

2. Goldberg et al.